

# تنها گزینه در گرانگاه چله انقلاب اسلامی: استقلال یا وابستگی؟! با تمرکز بر دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی

سید حامد پور محب حسینی<sup>۱</sup>

## مقدمه

وقوع، بقا، شکوفایی، بالندگی، اقتدار و پیشرفت همه‌جانبه انقلاب اسلامی تا حصول به تمدن نوین اسلامی، سیوررت و حرکت مستمر خویش را در جهان متلاطم تداوم بخشیده است. انقلابی که رهین مجاهدت ملت ایران و رهبری حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) گردید. شعارهای اصلی ملت ایران «نه شرقی نه غربی؛ جمهوری اسلامی» و «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود که نشان‌دهنده عمق بصیرت، آگاهی، بیداری و اراده و در واقع عمق خواسته ملت ایران بود. از مؤلفه‌ها و ارکان اساسی انقلاب اسلامی که در خواست و اراده ملت ایران متبلور شد، مفهوم «استقلال» بود. استقلال همه‌جانبه که مبنا و بنیان آن نفی سلطه استکبار جهانی و استبداد برآمده از آن (سلطنت پهلوی) بود؛ استقلال همه‌جانبه که در حقیقت بنیان ترسیم، تدوین و تحکیم مرزهای خودی در قلمرو اعتقادی، فکری، فرهنگی،

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی





مواردی مهم از تعاریف و تعابیر وجود دارد که جهانی شدن را به غربی شدن به طور عام و امریکایی شدن به طور خاص قلمداد می کند

سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی در برابر سلطه غیر خودی و دشمن گردید.

استقلال و هویت ملی در عصر پیش از انقلاب اسلامی بر باد رفته و غیر قابل تصور و تصدیق بوده است. مغزافزار کشور، مناسبات ملک و مملکت، نظام

تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور، مناسبات سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی ایران، به دست اجانب و تربیت‌یافتگان و عوامل دشمن طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجرا می گردید. تحقیر مردم و حکومت ایران، نابود شدن ظرفیت‌های انسانی و طبیعی، استثمار فکری و برنامه‌ریزی راهبردی برای اضمحلال گذشته و آینده یک ملت، همراه با متلاشی ساختن استقلال و تضعیف هویت ایرانی-اسلامی و از همه بدتر تسلط بیگانگان بر تمامی ارکان کشور، روایت غمبار تاریخ معاصر ایران است. انقلاب اسلامی این نظم هویت‌گریز و استقلال‌ستیز را متلاشی کرد و نظمی نوین بر اساس باورها و اعتقادات مردم پی افکند. گوهر گرانبهای استقلال که رهین مجاهدت و ایثار ملت ایران گردید، در چند دهه حیات نظام اسلامی مورد هجوم سازمان‌یافته استکبار قرار گرفته است و اکنون در گرانیگاه یا مرکز ثقل پایان چله انقلاب اسلامی و آغاز دهه پنجاه، ملت ایران همچنان در آزمون دو گزینه‌ای «استقلال» یا «وابستگی» قرار دارد. یعنی آزمونی که دو جهت بیشتر ندارد: یا ایستادگی و دفاع از آزادی، تمامیت ارضی، آبادانی، پیشرفت، سربلندی و استقلال ایران یا وادادگی، تسلیم، اسارت، سازش، کرنش، عقب‌ماندگی و واپسگرایی و وابستگی به دشمنان.

این نشان می‌دهد که تبیین مفهوم استقلال و ارزش والای آن و مضرات وابستگی و نتایج آن در هر زمان ضرورت ویژه‌ای دارد. هدف این مقاله، تبیین اجمالی اثرات این دو پدیده در چشم‌انداز تاریخ تحولات دوران معاصر به خصوص از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی است. به دلیل حضور ایشان در سطوح گوناگون مبارزات نهضت اسلامی و در جایگاه‌های مهم مسئولیتی در نظام جمهوری اسلامی و رصد مسائل کشور، ترسیم و تبیین عمیق و مبتنی بر واقعیت تاریخی از مجاهدت توان‌فرسای ملت ایران برای کسب استقلال و قطع وابستگی به دشمنان و واکاوی روند تحولات و عمق‌بخشی به تحلیل و شناخت مردم و سیطره بر مبنای تئوریک انقلاب اسلامی و مرزبندی آن با دشمنان و آشنایی با چرایی دشمنی چهل‌ساله استکبار جهانی با ملت ایران؛ نظرات و دیدگاه‌های ایشان می‌تواند مبنای فهم گرانیگاه انقلاب اسلامی در چهل سال گذشته باشد.

## چهار چوب مفهومی

استقلال در قاموس انقلاب اسلامی ترجمان و تعین حقیقتی است که اسلام در عدم انقیاد مسلمانان و جامعه اسلامی، بر آن تأکید دارد. چنان که قاعده نفی سبیل بر اساس آیه شریفه «ولن يجعل الله الكافرين على المؤمنين سبيلا»<sup>۱</sup> اشاره صریح به این دارد که سلطه کافران و مستکبران نباید بر مؤمنین و مسلمین تحقق یابد. این به معنای مهم بودن عزت و استقلال مسلمین و مؤمنین در برابر دشمنان است. تعریف و تبیینی که رهبر معظم انقلاب اسلامی از مفهوم استقلال ارائه می‌دهند، مبتنی بر قرآن کریم و آموزه‌های شارع مقدس اسلام است. آزادی از استثمار، حیات طیبه، مستقل زیستن، آزادی از اراده دشمن، ارباب نداشتن، روحیه استغنا، اعتقاد به هویت خود، مقابله با قدرت‌های مداخله‌گر و... از جمله گستره واژگانی هستند که هم معمار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی بر آن متمرکز بودند و هم رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین استقلال به کار برده‌اند. این دیدگاه میراث مواضع و فتاوی‌ای علمای شیعه در طول تاریخ ایران پس از اسلام بوده است. در اندیشه امام خامنه‌ای همچون امام خمینی، استقلال ملی جایگاه برجسته‌ای دارد؛ چنان که ایشان باورمندی و اعتقاد به استقلال را یک هدف و آرمان برای امر تربیت افراد جامعه می‌دانند: «تربیت افرادی معتقد به استقلال: استقلال فکری، استقلال سیاسی، استقلال فرهنگی، استقلال اقتصادی: جوانی که تربیت می‌شود... باید به معنای واقعی کلمه اعتقاد داشته باشد به استقلال کشور<sup>۲</sup> در برابر هجوم و شبیخون سازمان یافته و پردامنه منازعه اندیشه‌ها که غرب آن را تدارک دیده است»؛ و شعاع آن به استحاله مفاهیم و تحریف به تعبیر قرآن کریم «... یحرفون الكلم عن مواضعه...»<sup>۳</sup> کشانده شده است.

مترادف‌سازی معنای استقلال به انزوای و گوشه‌گیری و سایر مفاهیم مشابه بیش از هر چیز با انگیزه تئوریزه کردن وابستگی با معانی فریبنده‌ای چون: تعامل جهانی، جهانی شدن، بین‌المللی شدن، عضویت در جامعه جهانی برای رسیدن به رفاه و توسعه و مفاهیم شبیه به این است. مفاهیمی که بیش از هر چیز در جهت وارونه‌سازی ذهنیت افکار عمومی جهت شکستن قیج سرسپردگی به بیگانه است؛ که بازگشت به عصر ویرانگر رژیم خودکامه و وابسته پهلوی را تداعی می‌کند. «توصیه حضرات (سردمداران غربی) به ایران اسلامی این است که بیایید به جامعه بین‌المللی بگردید! یعنی چه؟ یعنی این استقلال فرهنگی، این استقلال سیاسی... را کنار بگذارید»<sup>۴</sup>

۱. خداوند تسلطی برای کافرین بر مؤمنین قرار نداده است. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۴۱.

۲. بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فن آوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰.

۳. قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۴۱.

۴. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش، ۱۳۷۶/۱/۲۷.

## جایگاه استقلال در الگوی حیات طیبه

حیات طیبه آرمان و الگوی قرآنی برای آحاد جامعه مؤمن و مسلمان است.

حیات طیبه به معنای زندگی که در آن فوائد اجتماعی، سعادت اجتماعی، عزت اجتماعی، استقلال و آزادی عمومی هم در آن تأمین است. قرآن اینها را به ما وعده داده است... آن زندگی که در آن عزت هست، امنیت هست، رفاه هست، استقلال هست، علم هست، پیشرفت هست، اخلاق هست و...<sup>۱</sup> کاری که انقلاب در آغاز انجام می‌دهد ترسیم آرمان‌هاست... آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، حیات طیبه است که... «فَلنَحْنِیْنَه حَیْوَه طَیْبَه...»<sup>۲</sup> حیات طیبه یعنی چه؟ یعنی همه این چیزهایی که بشر برای به‌زیستی خود، برای سعادت خود به آنها احتیاج دارد؛ عزت ملی جزو حیات طیبه است، ملت ذلیل، توسری خور حیات طیبه ندارد. استقلال، وابسته نبودن به بیگانگان و دیگران جزو حیات طیبه است...<sup>۳</sup>

هدف از همه مبارزاتی که ملت ایران به رهبری امام بزرگوار انجام داد تا انقلاب به پیروزی رسید و همه تلاش‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب در این کشور انجام شد، تشکیل حیات طیبه اسلامی بود... سعی همه دشمنان انسان و شیاطین و طواغیت آن بوده است که بشر را از این حیات طیبه دور کنند.<sup>۴</sup> ... ما آمدیم برای اینکه یک جامعه اسلامی به وجود بیاوریم، ما آمدیم تا حیات طیبه اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان باز تولید کنیم... و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیع‌تر نگاه کنیم، چون باز تولید حیات طیبه اسلامی در کشور ما می‌توانست و می‌تواند همچنان الگویی برای دنیای اسلام شود...<sup>۵</sup> رهاورد مهم انقلاب اسلامی تحقق استقلال ملی و سیاسی بود و تداوم انقلاب اسلامی برای حصول استقلال همه‌جانبه از انقیاد و وابستگی به قدرت‌های استعماری می‌باشد و موضوعیت و موجودیت استقلال و حفظ آن برای نیل به والاترین آرمان‌های اسلامی پیوند می‌خورد.

۱. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۸۶.

۲. قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۹۸.

۳. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۲۵.

۴. دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروه‌های مختلف مردم و میهمانان خارجی در مراسم دهه فجر و کنفرانس اندیشه اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۱۲.

۵. بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام، ۱۳۸۷/۶/۱۹.

جهانی شدن که روایت و  
خاستگاه غربی دارد به مثابه  
یک چالش برای فرهنگ‌ها  
و هویت‌ها و استقلال ملی  
کشورها تلقی می‌شود

حیات طیبه یک ملت از جمله این است که این ملت عزیز  
زندگی کند، سربلند زندگی کند، وابسته نباشد، مستقل  
زندگی کند... این صیورت و این فرآیند تمام‌ناشدنی  
است.

از مسائل بسیار مهم تمایز و تفاوت انقلاب اسلامی و نظام  
اسلامی با دیگر جنبش‌ها و نظام‌های سیاسی و انقلاب‌های مهم در جهان مدرن، ماهیت و  
هویت استقلال طلبانه آن بوده است. اما نه استقلال از سنخ جنبش‌ها یا حرکت‌های سیاسی  
عصر پسااستعمارگرایی پس از جنگ جهانی دوم که ممالک مستعمره جهان از قدرت‌های  
استعماری به‌ظاهر استقلال سیاسی می‌یافتند؛ در حالی که زیر سلطه استعمار فکری و فرهنگی،  
استعمار علمی و اقتصادی به‌طور پیچیده‌تر و عمیق‌تر گرفتار می‌شدند. اما اراده و تفکر و تلقی  
ملت ایران از تحقق و طلب استقلال خواهی مبتنی بر دین اسلام بود که استقلال را به مثابه یک  
ارزش متعالی و شأنی از شئون آرمان حیات طیبه می‌داند. بنابراین یک جبهه وسیع دشمن و  
دشمنی برای استحاله و اضمحلال این پدیده بزرگ استقلال طلبانه متحد و منسجم می‌شوند.

## پیوند استقلال و آزادی

استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت، این معنای استقلال است...<sup>۱</sup>  
استقلال یعنی آزادی از اراده بیگانگان و اراده دیگران، این معنای استقلال  
است... معنای استقلال این است که یک ملتی سرنوشت خودش را خودش  
تعیین کند.<sup>۲</sup> اعتقاد ما به آزادی یک مسئله تاکتیکی نیست یک مسئله واقعی  
است آزادی به همان معنایی که جمهوری اسلامی تعریف می‌کند، نه به  
معنایی که غربی‌ها تعریف می‌کنند که آن به نظر ما انحراف است. آنجایی  
که باید آزادی باشد نیست؛ آنجایی که باید محدودیت باشد، قیدها گسسته  
است... ما آزادی را با همان مفهوم اسلامی خود قبول داریم...<sup>۳</sup> اسلام به  
ملت‌ها استقلال و آزادی می‌دهد؛ هم آزادی در محیط زندگی خودشان،  
آزادی از قدرت‌های دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالت‌ها... و هم  
آزادی از کمند قدرت اقتصادی و فشار سیاسی استکبار... نداشتن استقلال،  
نداشتن آزادی، نداشتن حیثیت انسانی، عقب‌ماندگی علمی و عقب‌ماندگی

۱. بیانات در بیست و هشتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، ۱۳/۱۴/۱۳۹۴.

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۴/۱۶/۱۳۹۴.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۶/۸/۱۳۸۸.



در شئون زندگی، از دیگر گرفتاری‌های ملت‌های مسلمان است. همه این گرفتاری‌ها به برکت بازگشت به اسلام، به برکت عمل به اسلام و به برکت حاکمیت اسلام برطرف می‌شود...<sup>۱</sup> آزادی فکر و بیان هم یکی از ارزش‌های انقلاب بود. مردم می‌خواستند آزادانه فکر کنند. آن روز آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی تصمیم‌گیری نبود...<sup>۲</sup> آزادی باید به شکلی منطقی و صحیح در جامعه تأمین شود، همان آزادی که انقلاب اسلامی و نظام اسلامی پرچمش را در دنیای اسلام بلند کرد...<sup>۳</sup>

شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به طور منطقی یک راهبرد و یک معادله راهبردی را نشان می‌دهد که وجود دو مؤلفه استقلال و آزادی منتج به جمهوری اسلامی است؛ و تحفظ این دو مؤلفه به مثابه برپادارنده و مقوم نظام جمهوری اسلامی است. استقلال فکری و فرهنگی، استقلال علمی، سیاسی و اقتصادی از یک سو و آزادی فکر و بیان و آزادی انتخاب در چهار چوب و قاعده و ضابطه اسلام که همان اراده و خواست ملت ایران و تجلی مردم‌سالاری دینی است، پیوند ماهوی استقلال و آزادی را نشان می‌دهد؛ نه در نظام فکری و مسلک غرب و غرب‌گرایان که اصالت و تأکید بر آزادی فردی را تجویز و تحمیل می‌کنند و از سوی دیگر وابستگی و اشغال نظامی و سیاسی و فرهنگی یک کشور را که همان نابودی استقلال ملی و همان نابودی آزادی یک ملت را تئوریزه می‌کنند...

این که بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اما آزادی یک ملت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریم‌های مخالفان و بیگانگان محترم نباشد... متأسفانه کسانی هستند تئوری‌سازی می‌کنند برای نفی استقلال کشور که در دنیای امروز که جهان یک دهکده شده است استقلال پوچ است...<sup>۴</sup>

استقلال را گاهی به انزوای معنایی می‌کنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید... این یک غلط بزرگ است،

۱. بیانات در دیدار با میهمانان داخلی و خارجی در دهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، ۱۳۷۸/۳/۱۲.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۲/۲۳.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵.

۴. محمود سریع‌القلم، ایران و جهانی شدن، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۲.



یک خطای بسیار مهم و خطرناک است... اینها استقلال را هدف گرفته‌اند...<sup>۱</sup> حالا کتاب می‌نویسند برای رد استقلال! انسان واقعاً تعجب می‌کند که چطور افرادی رویشان می‌آید... از آزادی به اسم دفاع می‌کنند، استقلال را می‌گویند، استقلال یعنی آزادی، منتها نه آزادی یک شخص، آزادی یک ملت از تحمیل‌ها، از توسری زدن‌ها، از عقب‌نگه داشتن‌ها، از استنمارها...<sup>۲</sup> بعضی از این نویسندگان و گویندگان که عمر باطل خود را غرقه در فساد و آلودگی‌های اخلاقی و سیاسی و انواع هرزگی‌ها گذرانیده‌اند، با حکومت اسلامی که راه را بر این تباهی‌ها و هرزگی‌ها بسته است و اربابان خارجی آنها را بیرون رانده، مخالف‌اند و آنگاه این مخالفت و عناد را که مخالفت با اسلام و استقلال و آزادی ملی و طهارت اخلاقی است، به حساب خرده‌گیری و انتقاد از اوضاع سیاسی و اقتصادی می‌گذارند، در حالی که آزادانه هر چه خواسته‌اند، گفته‌اند؛ با وقاحت و بی‌شرمی مطالبه آزادی می‌کنند. خواست حقیقی اینها، باز شدن پای امریکا و فروختن کشور به دشمنان است...<sup>۳</sup> مسئله استقلال، مسئله مهمی است برای کل کشور و کل انقلاب... شعار استقلال در کنار شعار آزادی مهم‌ترین شعارهای انقلاب بود، هست و خواهد بود...<sup>۴</sup>

## پیوند استقلال و پیشرفت

آن گونه که ذکر گردید انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت خود و نقش احیاگری و بیدارگری در ملت ایران و شعاع آن در جهان اسلام و جوامع انسانی، اراده جدی برای تأمین و حفظ استقلال همه‌جانبه، طرح و ارایه آرمان‌گرایی بر اساس اصول و ارزش‌های اسلامی، تحقق آزادی‌های اجتماعی بر اساس مبانی و قوانین اسلام و طراحی الگوی پیشرفت و عدالت، جامعه مطلوب خود را فرض نموده است. اما در نقطه مخالف و معارض، باز تولید الگوهای رایج توسعه غربی با ابزارها و روش‌های پیچیده و هدفمند و تئوریزه آن در سطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در دستور کار غرب و غرب‌گرایان قرار گرفته است؛ که در حقیقت تضعیف روند استقلال کشور در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را در سر می‌پروراند... بنابراین انکار قابلیت انقلاب اسلامی در طراحی الگوی پیشرفت بومی و عدم

۱. بیانات در بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، ۱۳۹۴/۳/۱۴.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۲۵.

۳. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)، ۱۳۶۹/۳/۱۰.

۴. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹.



جهانی شدن اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می کند بازارهای جهانی به رویش باز می شود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره هایی در ماشین سرمایه داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد

توانایی در تحقق آن و همزمان تبلیغ توانمندی تمدن لیبرال دموکراسی غرب در طراحی و تحقق عملی بهترین و هوشمندانه ترین الگوی توسعه و رفاه و ترقی یک راهبرد مستمر برای خدشه به استقلال کشور و راهبرد نه شرقی و نه غربی بوده است. لیکن در حقیقت استقلال واقعی یک مملکت زمینه ساز رشد و پیشرفت کیفی و واقعی است. اولین گام در جهت پیشرفت همه جانبه یک جامعه، استقلال و عدم دخالت بیگانگان در امور آن است... فرض این است که اراده سیاسی مبتنی بر استقلال سیاسی پیش زمینه پیشرفت درون زاست.<sup>۱</sup> رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره بیان می دارند:

پیشرفت کشور هدف اساسی است. پیشرفت صوری و منهای استقلال و عزت ملی پذیرفته نیست. پیشرفت به معنی حل شدن در هاضمه استکبار جهانی نیست...<sup>۲</sup> یکی از الزامات این است، هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین کننده استقلال کشور باشد. این باید به عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی شونده برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، ذلیل کند و دنباله رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی و نظامی و اقتصادی بکند مردود است. استقلال یکی از الزامات مدل پیشرفت در دهه پیشرفت و توسعه است... یک اصل مهم، مسئله استقلال است. که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراب پیشرفت است...<sup>۳</sup> زبان ملی را مغشوش کردن، هویت اسلامی ملی را سلب کردن و مدل بازی به جای مدل سازی پیشرفت نیست. ما وابسته شدن و غربی شدن را پیشرفت نمی دانیم.<sup>۴</sup> هر کس هر کاری برای پیشرفت این کشور می کند، یک حرکت اساسی برای استقلال این کشور می کند...<sup>۵</sup>

۱. توسعه از کدام مسیر؟، اندیشکده برهان، ۱۳۹۷، ص ۴۱.

۲. پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حضور مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۹.

۳. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان استان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.

۴. بیانات در دیدار با دانشجویان، ۱۳۸۵/۸/۱۸.

۵. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، همان، ص ۴۶.



## تقابل استقلال و وابستگی

ملت ایران دو وضعیت وابستگی و استقلال را در تاریخ معاصر (پیش از انقلاب اسلامی و پس از آن) تجربه کرده است. در آغاز زمینه‌های نفوذ فکری به وسیله کارگزاران سیاست خارجی و محصلان به فرنگ رفته در دربار و طیف متنفسد و متمول جامعه ایرانی صورت پذیرفت تا زمینه‌های گرایش ذهنی به غرب به عنوان مرجع و شاخص ترقی پذیرفته گردید و بعد نفوذ سیاسی و اقتصادی در حکومت برای دوران استحاله به وجود آمد. پدیده‌ای به نام غرب زدگی و غرب پرستی در طیف تربیت یافتگان فرنگ شکل گرفت و سازه‌ها و ساختار وابستگی و فرهنگ وابستگی را صورت بندی نمود که نتایج آن تجزیه بخش‌هایی از ایران، پذیرش معاهدات استعماری، اعطای حق قضاوت کنسولی، اعطای مصونیت به اتباع بیگانه، تحمیل مداخله استعمار در مقدرات و مناسبات کشور، تحقیر ملت، ذهنیت خودباختگی و... بود؛ اما «انقلاب اسلامی این وضعیت فاجعه آمیز را دگرگون ساخت. انقلاب اسلامی، استقلال را به مردم داد بعد از آن که این همه خون در راه استقلال ریخته شد...»<sup>۱</sup>

انقلاب اسلامی دوران تحقیر ملت ایران را خاتمه داد، قبلاً ملت ایران به وسیله بیگانگان و قدرت‌ها تحقیر می‌شد، تحقیر سیاسی می‌شد، تحقیر اجتماعی می‌شد. آنچه را قدرت‌های مسلط و عمدتاً آمریکا در این سال‌های آخر مایل بودند، به سران رژیم پهلوی دیکته می‌کردند و آنها هم عیناً همان را عمل می‌کردند. قبل از آمریکا هم انگلیسی‌ها این نقش را در کشور ایفا می‌کردند، انقلاب اسلامی آمد این تحقیر غیر قابل تحمل را بر طرف کرد و به کشور و به ملت عزت داد، استقلال داد و انسانیت او را مطرح کرد.<sup>۲</sup> به برکت انقلاب اسلامی، ملت ایران از فساد روزافزون و انحطاط علمی و اخلاقی و استبداد سیاسی و وابستگی به آمریکا نجات یافت و نشاط زندگی و سازندگی را دوباره به دست آورد. از حاکمیت مهره‌های نوکر مآب و بی‌کفایت و غیر امین و فاسق و بدکار و مستبد و ظالم، خلاص شد... سرنوشت کشور و منابع ملی و ثروت‌های خدادادهاش را که به وسیله بیگانگان غارت می‌شد، خود به دست گرفت. نیروی ابتکار و سازندگی را که بر اثر ضعف و فساد پادشاهان خائن و وابسته، سال‌ها به خمودگی و رکود کشیده شده بود، در خود زنده کرد و در همه میدان‌های علمی و عملی،

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۶/۱۰/۲۶.

۲. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۴/۱۱/۲۸.





به جبران دو قرن عقب افتادگی، گام‌های بلند برداشت...<sup>۱</sup> انقلاب اسلامی آمد تحولات عمده‌ای را در این کشور به وجود آورد، سلطنت را تبدیل کرد به حکومت مردم، مردم‌سالاری. وابستگی را تبدیل کرد به استقلال، عقب‌ماندگی تاریخی مُزمن را تبدیل کرد به پیشرفت... تحقیرشدگی را تبدیل کرد به اعتماد به نفس و احساس عزت، این کارهای انقلاب بوده...<sup>۲</sup> امروز وقتی در افق سیاسی جهان نگاه می‌کنید، اگر یک ملت وجود داشته باشد که هیچ سلطه خارجی بر آن نیست، آن ملت، ملت ایران است.<sup>۳</sup>

در عصر انقلاب اسلامی هجوم سازمان‌یافته و مستمر برای نفی استقلال و اثبات و تثویز کردن وابستگی با روش‌های مختلف صورت گرفته و می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید:

الان هستند کسانی که صحبت استقلال که می‌شود، استقلال را مسخره می‌کنند، می‌گویند این عقب‌افتادگی است. استقلال چیست؟ می‌خواهد وابستگی را تثویز کند، استقلال را مسخره می‌کند، دل‌های جوانان را برای مستقل زیستن متزلزل کند... یکی به ضروریات اخلاقی و دینی جامعه اهانت می‌کند، زبان فارسی را مسخره می‌کند، خُلقیات ایرانی را تحقیر می‌کند...<sup>۴</sup>

## استقلال و مقوله فریبنده جهانی شدن

بر اساس تعاریف رایج، می‌گویند:

جهانی شدن از دهه ۱۹۶۰ وارد فرهنگ لغات گردیده و پس از پایان جنگ سرد در ابعاد وسیع و متنوعی کاربرد پیدا کرده است... فروپاشی نظام دوقطبی به تشدید روند جهانی شدن کمک کرده است... از مختصات جهانی شدن به عنصر سرعت، تحول اساسی در کیفیت تعاملات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی و پیشرفت فن‌آوری که باعث کوچکتر شدن جهان گردیده می‌توان اشاره نمود... در عصر جهانی شدن به جای خون و سرزمین و زبان مشترک، نماد ملیت، اطلاعات مشترک می‌باشد.<sup>۵</sup>

۱. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۷۷/۱/۱۲.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶.

۳. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۷/۸/۱۲.

۴. بیانات در حرم مطهر رضوی (علیه‌السلام)، ۱۳۹۳/۱/۱.

۵. عبدالعلی قوام، جهانی شدن و جهان سوم: روند جهانی شدن و موقعیت جوامع در حال توسعه در نظام بین‌المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۷ و ۹.

استعمار غرب و غرب پرستان بیش از یک قرن است که تبلیغات سازمان یافته و هدفمند خود را برای نفوذ و سلطه بر ملت ایران به کار بسته‌اند و با روش‌های مختلف سرمایه‌ها، منابع، تاریخ، فرهنگ، استقلال و هویت یک ملت را در ذهن و فکر آن ملت، بی‌اعتبار، بی‌ارزش، بی‌مبنا و بی‌معنا القا کردند

شواهد مربوط به فرآیند جهانی شدن در دوره جدید نشان می‌دهد که این فرآیند قابل تقلیل به ابعاد اقتصادی صرف نیست بلکه فرآیندی گسترده با ابعاد چندگانه و حتی متناقض است که عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود؛ تا جایی که در دوره جدید فرآیند جهانی شدن با ادغام عمیق و گسترده

اقتصادهای ملی از طریق مبادلات تجاری در عرصه جهانی، گسترش بازارهای مالی و بورس جهانی، سازماندهی جریان تولید در ماورای مرزهای ملی، گسترش و افزایش بازارهای سرمایه در مقیاس جهانی... و وابستگی متقابل جوامع و کشورها و... شناخته می‌شود...<sup>۱</sup> به عقیده روزنا (نظریه پرداز علوم سیاسی و روابط بین‌الملل) جهانی شدن یک فرآیند است... روندی اجتناب‌ناپذیر، تاریخی و پویاست. به عقیده مالکوم واترز جهانی شدن مرکز را به پیرامون می‌آورد، در حدی که از نوگرایی غربی تغذیه شود... و همچنین پیرامون را به مرکز می‌آورد.<sup>۲</sup> مواردی مهم از تعاریف و تعبیر وجود دارد که جهانی شدن را به غربی شدن به طور عام و امریکایی شدن به طور خاص قلمداد می‌کند؛ یعنی یک جریان سازمان یافته متنفسد سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای که به دنبال استانداردسازی و همگن‌سازی و یکپارچه‌سازی فرهنگ و اقتصاد و سیاست جهانی است. بنابراین از کمرنگ شدن و فروپاشی مرزهای ملی و ملیت و حاکمیت ملی و استقلال کشورها سخن می‌گوید؛ و به جهان و زیست‌جهان ارتباطات و اطلاعات، جامعه جهانی، دهکده جهانی، نظم، نوین جهانی و... اشاره می‌کند. جهانی شدن که روایت و خاستگاه غربی دارد به مثابه یک چالش برای فرهنگ‌ها و هویت‌ها و استقلال ملی کشورها تلقی می‌شود. مهم‌ترین چالشی که از جهانی شدن ناشی می‌شود، تلاش غرب برای فراگیرسازی فرهنگ لیبرال دموکراسی در سراسر جهان است...<sup>۳</sup> بر اساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی که مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلام است و مؤید ارزش‌هایی چون استقلال ملی، هویت اسلامی و آزادی می‌باشد، پدیده جهانی شدن با خاستگاه غربی یک تهدید به شمار می‌آید؛

توصیه حضرات (سردمداران غربی) به ایران اسلامی این است که بیایید

۱. مصطفی از کیا و غلامرضا غفاری، جامعه‌شناسی توسعه، تهران، کیهان، ۱۳۸۸، ص ۳۵۷.

۲. همان، ص ۳۶۰-۳۵۹.

۳. غلامرضا بهروز لک، جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.



به جامعه بین‌المللی برگردید! یعنی چه؟ یعنی این استقلال فرهنگی، این استقلال سیاسی... را کنار بگذارید.<sup>۱</sup> این کسانی که سعی می‌کنند اهمیت استقلال یک ملت را به عنوان جهانی شدن و حل شدن و منطبق شدن با جامعه جهانی از بین ببرند و کمرنگ کنند، مقاله می‌نویسند، حرف می‌زنند. اینها هیچ خدمتی نمی‌کنند...<sup>۲</sup> امروز همه این توصیه‌هایی که غربی‌ها و امریکایی‌ها در جلسات به ما می‌کنند این است: ایران خودش را با خانواده جهانی همراه کند، یکسان کند، جهانی بشود. مرادشان همان وابستگی است... جهانی شدن یعنی زیر بار فرهنگی که چند قدرت بزرگ توانسته‌اند بر اقتصاد دنیا، بر سیاست دنیا، بر امنیت دنیا تحمیل بکنند. رفتن زیر بار این سیاست رفتن، در این قالب خود را جا کردن، این معنای جهانی شدن از نظر غربی‌ها و امریکایی‌ها است. وقتی می‌گویند جهانی بشوید... معنایش این است، این همان وابستگی است.<sup>۳</sup> جهانی شدن اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند بازارهای جهانی به رویش باز می‌شود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌هایی در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان، استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند و الا جهانی شدن که ده‌ها سال پیش، از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال اینها، که همه ابزارهای امریکایی و استکباری بودند، به وجود آمده، ارزشی ندارد...<sup>۴</sup> الان هر چی حرف زده می‌شود درباره جهانی سازی است... جهانی سازی فرشته نجاتی شده که اگر ما به تجارت جهانی نپیوندیم، پدرمان در آمده است...<sup>۵</sup> وابستگی بعد از انقلاب به شکل‌های دیگری در کشور باز تولید شد... باز تولید همان فرهنگ وابسته، منتها با یک ادبیات شیک و رنگ آمیزی شده و قالب‌بندی شده و بسته‌بندی شده به اسم‌های دیگر: جهانی شدن، وارد شدن

۱. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش، ۱۳۷۶/۱/۲۷.
۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.
۳. بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی، ۱۳۹۵/۷/۲۸.
۴. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۷.
۵. بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵.

در خانواده جهانی.<sup>۱</sup> آقایان! ما از غرب صدمه دیده ایم. در تبلیغات جهانی تکیه می کنند روی اینکه چرا در جمهوری اسلامی، بعضی ها، گاهی اسم بنده را بالخصوص می آورند، چرا با امریکا مخالف اند. باید فراموش نکنیم که غرب با ما چه کرده...<sup>۲</sup>

عمده این است که اسیر کلیشه های تحمیلی نظام سلطه نباید شد. یک تفکر اتی یک مفاهیمی از سوی تبلیغات پر حجم نظام سلطه، به طور شبانه روزی در سرتاسر عالم دارد پراکنده می شود.

یکی از مهم ترین مسائل این است که ما باید اسیر نشویم... استکبار در صدد آن است که کلیشه های مورد نظر خودش را به همه مردم دنیا تحمیل کند، هم به آحاد ملت ها و... آن را وارد ذهن آنها و فضای ذهنی آنها بکنند. مایل اند همه جهان را از منظر آنان ببینند. مفاهیمی را که آنها بر روی آن تکیه می کنند با همان رویکرد آنها، با همان نگاه آنها تشخیص بدهند و بشناسند. این رویکرد، رویکرد سلطه طلبانه است. با این رویکرد سلطه طلبانه، مفاهیمی را جعل می کنند... مایل اند همه طبق آنها مفاهیم را بفهمند و به کار بگیرند و در ادبیاتشان استفاده کنند.<sup>۳</sup>

## حفظ استقلال ملی و تعامل با دنیا

بعد مهم انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، سیاست خارجی و گستره و کیفیت ارتباطات آن با افکار عمومی جهان و آحاد ملت هاست که بر اساس و مبنای اصول و ارزش های اسلامی و منافع ملی و منافع عموم مسلمین شکل گرفته و با حفظ عزت، حکمت و مصلحت، نفی سلطه استکبار جهانی، حمایت از مستضعفین، عدالت طلبی و... جهت گیری به سمت آرمان ها دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می فرماید:

بروند با تدبیر، با سیاست گذاری درست، با پیگیری صحیح، با جدیت، ارتباطات با دنیا برقرار کنند. دنیا بزرگ است، دنیا که فقط امریکا و چند کشور اروپایی نیست، دنیا خیلی وسیع است. بروند ارتباطات برقرار کنند. به آن مقداری که لازم هست اما چشم ندوزند به هیچ نیروی خارجی.<sup>۴</sup> در امر

۱. بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان، ۱۳۹۵/۷/۲۸.

۲. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰.

۳. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۶/۱۲.

۴. بیانات در دیدار با کارگران، ۱۳۹۷/۲/۱۰.



کیفیت حضور جمهوری اسلامی در دنیای امروز، بحمدالله جمهوری اسلامی موفقیت داشته. «و لله العزه و لرسوله و للمومنین» الحمدالله جمهوری اسلامی مؤمن، مشمول این آیه شریفه شده و این عزت را دارد؛ این را باید نگه داریم. با عقل با تدبیر... با اشتباه نکردن در نوع مراودات، نوع تصمیم گیری ها...<sup>۱</sup> همواره دشمنان خواسته اند ملت ایران را منزوی کنند، اما ملت ایران منزوی نشده، با دنیا همکاری کرده و در عین حال با نظام سلطه و استکبار مقابله جدی کرده است... «تعامل بین المللی» نباید ما را از این نکته که دشمنانی هستند که به نابودی ما کمر بسته اند، غافل کند.<sup>۲</sup> ما نمی توانیم و نمی خواهیم که از لحاظ اقتصادی، ارتباطات را با دنیا قطع کنیم. نه ممکن است و نه مطلوب...<sup>۳</sup> مرزبندی به معنای این نیست که ما رابطه مان را قطع بکنیم، توجه بکنید، مغالطه نکنند که شما می گوید ما با همه دنیا دشمن ایم، نه، مرزبندی کنید، مرزها مخلوط نشود.<sup>۴</sup> «تعامل گسترده با دنیا» این توصیه همیشگی ماست این درست نقطه مقابل آن چیزی است که دشمنان ما و سلطه گران عالم دنبالش هستند. ما می توانیم با دنیا ارتباطات وسیع و گسترده ای داشته باشیم. هم به ملت ها و دولت های دیگر کمک کنیم، هم از کمک آنها بهره مند بشویم...<sup>۵</sup> عزت ملی و رعایت حکمت در ارتباطات جهانی و اهتمام به اقتدار بین المللی نیز از جمله اولویت های مدیریت انقلابی و اسلامی است.<sup>۶</sup> ملت ایران امروز در صحنه بین المللی و در مقابل چشم ملت های عالم به عنوان یک ملت زنده به سمت هدف هایی که برای هر ملتی شور آفرین است و هر مجموعه انسانی را در هر جای دنیا به هیجان می آورد، می رود. یعنی به سمت استغنا و استقلال مطلق از همه کسانی که ملت ها را با صنعت و با مواد ساخته شده به دست خود ذلیل می کنند. پول ملت ها را غارت می کنند... شرف و عزت و روحیه استغنا آنها را نیز در

۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۶/۳۰.
۲. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶/۵/۱۲.
۳. بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
۴. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.
۵. بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶/۵/۱۲.
۶. پیام به مناسبت حضور گسترده و حماسی مردم در انتخابات، ۱۳۹۶/۲/۳۰.

هم می‌کوبند.<sup>۱</sup> استقلال یعنی یک کشوری مداخله‌گر را بشناسد با آن مقابله کند و در مقابل آن بایستد. استقلال به معنای بداخلاقی کردن با همه دنیا نیست. استقلال به معنای مقابله با آن قدرتی است که می‌خواهد مداخله کند، می‌خواهد دستور بدهد، می‌خواهد حیثیت و شرف یک ملت را برای منافع خود خرج کند... قدرت‌های مداخله‌گر از حس استقلال در یک کشور واهمه دارند، می‌هراسند و سعی می‌کنند این حس را در ملت در رهروان و در رهبران و در پیشروان ملت تضعیف کنند...<sup>۲</sup>

### تخطئه استقلال ملی و تئوریزه کردن مفهوم وابستگی

استعمار غرب و غرب پرستان بیش از یک قرن است که تبلیغات سازمان‌یافته و هدفمند خود را برای نفوذ و سلطه بر ملت ایران به کار بسته‌اند و با روش‌های مختلف سرمایه‌ها، منابع، تاریخ، فرهنگ، استقلال و هویت یک ملت را در ذهن و فکر آن ملت، بی‌اعتبار، بی‌ارزش، بی‌مبنا و بی‌معنا القا کردند و وابستگی مطلق یک ملت را به قدرت‌های استعماری، ارزشمند، با اعتبار، پدید آورنده رفاه، تقدیر تاریخی، منطبق با عقلانیت و رها شدن از فقر و پیوستن به کاروان ترقی و توسعه ترویج نمودند. در این باره شواهد فراوانی در تاریخ معاصر تا روزگار امروز ما می‌توان سراغ گرفت. چنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی هشدار داده‌اند: حالا کتاب می‌نویسند برای رد استقلال!... استقلال را می‌کوبند...<sup>۳</sup> بعضی‌ها در اصل مفهوم استقلال خدشه می‌کنند که یعنی چه استقلال!<sup>۴</sup> اگر یک کسی است که روح استقلال ملی را نشانه می‌رود، الان کسانی هستند که صحبت استقلال که می‌شود، استقلال را مسخره می‌کنند، می‌گویند این عقب‌افتادگی است. استقلال چیست؟ می‌خواهد وابستگی را تئوریزه کند، استقلال را مسخره می‌کند. دل‌های جوانان را برای مستقل زیستن متزلزل کند... زبان فارسی را مسخره می‌کند، خلیقات ایرانی را تحقیر می‌کند... سعی‌شان این است که بزنند توی سر روح عزت ملی جوانان ایرانی، مکرر خلیقات منفی را نسبت می‌دهند، از اروپایی‌ها یاد بگیرید، از غربی‌ها یاد بگیرید. همدیگر را تحمل می‌کنند! آن کسانی که شعارهای اصلی انقلاب را مورد تعرض جدی

۱. بیانات در دیدار مردم کرج، ۱۳۷۶/۷/۲۴.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، ۱۳۹۲/۱۱/۱۹.

۳. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۶/۲۵.

۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۴/۱۶.



قرار می‌دهند... به جای عزم راسخ ملی، تردید را در مردم ترویج می‌کنند...  
جای احساس عزت و اعتماد به نفس ملی، احساس حقارت ملی را به آنها  
تزیق می‌کنند...<sup>۱</sup>

با نگاه اجمالی به تاریخ معاصر هم می‌توان به مواضع و عملکردهایی از طیف‌ها، افراد و جریانات با عناوین مختلف لیکن با گرایش به تمدن غرب و جهان مدرن مواجه شد؛ که میراث، ارزش‌ها، فرهنگ اسلامی، استقلال و هویت ملی را با روش‌های گوناگون زیر سؤال می‌برده‌اند که تا به امروز تداوم یافته است و وابستگی به دشمن استعمارگر را با عناوینی چون رسیدن به ترقی و رفاه و توسعه، رهایی از فقر و فلاکت و توحش، رشد اقتصادی، فراگیری فرهنگ و آداب صحیح و مدنیت و... تئوریزه می‌کردند. برای مردمی که ایران را ترک نکرده‌اند غیر ممکن است که پیشرفتی را که اروپایی‌ها به آن نائل آمده‌اند، درک کنند. اروپا به اتکاء دو نوع کارخانه به جلو گام برداشته است. یکی کارخانه تولید کالا و دیگری کارخانه تولید انسان...<sup>۲</sup> ملل یوروپ هر قدر که در کارخانجات فلزات ترقی کرده‌اند، صد مراتب بیشتر از این کارخانجات انسانی پیش رفته‌اند... حال چیزی که در ایران لازم داریم این کارخانجات انسانی است...<sup>۳</sup> عقلای ایران هنوز بر این عقیده هستند که کمپانی‌های خارجه، ایران را خواهند گرفت. در این عقیده، یک دنیا جهالت است.<sup>۴</sup> آیین ترقی همه جا بالاتفاق حرمت می‌کند.<sup>۵</sup> در اخذ تمدن جدید و مبانی ترقی عقلی و فکری، حق نداریم درصدد اختراع باشیم، بلکه باید از فرنگی سرمشق بگیریم، در جمیع صنایع... محتاج سرمشق غیر بوده و هستیم.<sup>۶</sup> ایران نه آدم دارد و نه کارخانه آدم‌سازی که بتواند رأساً مباشر اجرای نقشه پیشرفت و ترقی اقتصادی خود گردد...<sup>۷</sup> باید یک هیئت صد نفری مدیران و مهندسین فنی و متخصصین خارجی به ایران خواست و وزارتخانه‌ها و تشکیلات دولتی را به آنها سپرد که تحت نظر وزرای ایران امور مملکت را انتظام دهند و آیین جدید مملکت‌داری را به ایرانیان بیاموزند.<sup>۸</sup>

۱. بیانات در حرم مطهر رضوی (علیه‌السلام)، ۱۳۹۳/۱/۱.

۲. نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران، تهران، قدر ولایت، ج ۱، ص ۷۴.

۳. همان، ص ۷۵.

۴. همان، ص ۸۳.

۵. همان، ص ۷۹.

۶. فریدون آدمیت، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت در ایران، به اهتمام سید ابراهیم اشک شیرین، تهران، گستره، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳.

۷. نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران، همان، ص ۸۰؛ به نقل از روزنامه قانون، رجب ۱۳۰۷ هجری قمری.

۸. فریدون آدمیت، همان، ص ۱۵۰.



میرزا یوسف خان مستشارالدوله یکی دیگر از تاریخ‌اندیشان غرب پرست دربار قاجاری است که آشفتگی و عقب‌ماندگی مملکت ایران را تنها فقدان «قانون» می‌داند و همچون دیگر همفکران خود، غرب را شاخص و آرمان ترقی می‌بیند

در عبارات فوق که از میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله صادر و تجویز شده و گوشه‌ای کوچک از مواضع اوست، وابستگی تئوریزه می‌شود. و ناتوانی، نمی‌توانیم و فقر را دلایل کرنش در برابر غرب که به عقیده او همه چیز دارد از جمله دانش، فن، فرهنگ، سیاست و آداب سیاست‌ورزی و مملکت‌داری، اقتصاد و صنعت

و... می‌نمایند. همتای روسی ملکم خان، میرزا فتحعلی آخوندزاده افسر ارتش تزاری که هیچ نسبتی با ایران و ایرانی‌ت ندارد، به تعبیر علمای ماروس منحوس را مبنای تحقیر ملت ایران قرار می‌دهد و می‌نویسد: «چرا در مملکت‌داری و ملت‌پروری تقلید پتر کبیر و فریدریخ نمایند که در ایام حیات، محبوب کل ملت و بعد از رحلت، ممدوح کل تواریخ و ملل بوده باشند؟» آخوندزاده در نمایشنامه‌های مختلف همچون: ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر، مسیو ژوردان حکیم نباتات و درویش مستعلی شاه جادوگر، وزیر خان سراب، خرس دزدافکن، مرد خسیس و... آداب و ارزش‌های اسلامی، میراث فرهنگی و... را به استهزاء می‌گیرد و مورد هجوم قرار می‌دهد. در نمایشنامه «مسیو ژوردان حکیم نباتات و درویش مستعلی شاه» دنیای تاریک شرق! را با جهان روشن غرب! مقایسه کرده است. در چهره مستعلی شاه جادوگر، شیادی و عوام‌فریبی... که از جهل مردم سود می‌برد؛ و در سیمای مسیو ژوردان گیاه‌شناس، ایده‌آل‌های مترقی تمدن غرب را نمایش می‌دهد.<sup>۲</sup> میرزا حسین خان سپهسالار، عاقد قرارداد روتیر که ایرانی و غیر ایرانی آن را ننگین‌ترین قراردادی می‌دانند که تبعه یک کشوری می‌تواند علیه ملت خود تحمیل کند؛ به دلیل مقام و منصب خود در دربار ناصرالدین‌شاه و سفارت چند کشور به ویژه رصد فرآیند تنظیمات عثمانی در تضعیف فرهنگ ایرانی و ارزش‌های اسلامی است می‌گوید: بر اولیای دولت واجب و لازم است که هر قدر زودتر داخل جاده ترقی شوند و دقیقه‌ای آرام را بر خود حرام دانند...<sup>۳</sup> ریل‌های جاده ترقی او فقط از مسیر وابستگی و سرسپردگی مطلق به بیگانگان عبور می‌کند و او این مسیر را سرنوشت محتوم ملت ایران می‌داند. میرزا عبدالرحیم طالبوف هم همچون میرزا ملکم خان و دیگر غرب پرستان پایه‌گذار تئوری سرسپردگی مطلق به بیگانگان؛ به تمجید از سیاست،

۱. فتحعلی آخوندزاده، الفبای جدید و مکتوبات، تهران، احیا، ۱۳۵۷، ص ۹۵.

۲. نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران، همان، ص ۱۷۳-۱۷۲.

۳. خان ملک ساسانی، سیاست‌گذاران دوره قاجار، به نقل از نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران، تهران، قدر ولایت، ۱۳۹۰، ص ۳۰۶.





حکومت‌داری و فرهنگ غرب می‌پردازد:

در انگلیس قانون اساسی از احترام حقوق و عواید قدیمه ملت تولید شده و استقرار یافته... واقعاً این ملت به عرش تمدن برآمده. مرحبا به قومی که در یک زندگی، به اتفاق جمیع ملل، شرف دو حیات را نایل هستند: یکی حیات ابدان و دیگری حیات وجدان است...<sup>۱</sup>

این نادان پر مدعا، حتی نمی‌داند که انگلیس قانون اساسی ندارد، ولی ندیده و نخوانده، از کرامات قانون اساسی انگلیس می‌گوید! میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله یکی دیگر از تاریک‌اندیشان غرب پرست دربار قاجاری است که آشفتگی و عقب‌ماندگی مملکت ایران را تنها فقدان «قانون» می‌داند و همچون دیگر همفکران خود، غرب را شاخص و آرمان ترقی می‌بیند که می‌بایست آن را الگو قرار دهیم و در جهت غرب حرکت کنیم. میرزا یوسف‌خان پیشنهاد می‌دهد که مصلحت دولت و ملت در این است که مهاجرت اروپایی‌ها به ایران ترغیب شود، چه آن موجب ترویج علم و معرفت و فنون فرنگی و تحول اوضاع ایران خواهد گردید؛<sup>۲</sup> خطوط اصلی فکری که غرب مدرن را به عنوان مرکز، شاخص و مرجع فکری، فرهنگی، سیاسی و الگوی تمام شئون زیستن انسان و جوامع انسانی در دو قرن اخیر تداوم داده است. چنان که غرب پرستان در ایران و سایر ممالک جهان به انحای گوناگون درصدد تئوریزه کردن این وابستگی بوده‌اند و اندیشه، رویکرد و جنبش‌های استقلال‌طلبانه را استحاله نموده و زمینه‌های مستقل زیستن را به وسیله تبلیغات و طیف‌های متنوع تربیت یافته مکاتب غربی از بین برده‌اند.

### تئوری پردازان مکتب وابستگی و سرسپردگی در عصر انقلاب اسلامی!

اکنون در عصر حیات روزافزون انقلاب اسلامی هم شاهد ظهور و بروز تئوری پردازان مکتب سرسپردگی در قالب‌های جدید هستیم که همان گزاره‌های پوسیده عصر قاجاری و پهلوی را تکرار می‌کنند:

در دنیا لفظ، مفهوم و تعبیری به نام استقلال اصلاً نداریم. استقلال تعبیری است که در دهه ۱۹۵۰ میلادی کشورهای آفریقایی برای دوره استعمارزدایی استفاده می‌کردند، مفهومی بود که مؤثر افتاد و در کسب حاکمیت ملی برای ایران پس از انقلاب اسلامی مفید بود، اما امروز لغت استقلال کاربرد ندارد.<sup>۳</sup>

۱. عبدالرحیم طالبوف، *مسائل الحیات*، تهران، شیرازه، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱-۱۹۰.

۲. فریدون آدمیت، *همان*، ص ۱۸۴-۱۸۳.

۳. رضا سراج و محمدجواد اخوان، *از مکتب نیاوران تا کابینه توسعه‌گرا*، تهران، اندیشکده برهان، ص ۲۱۲.

مفهوم استقلال در سه دهه اخیر معنای سنتی خود را از دست داده و کشورها عموماً به دنبال اختلاط و همکاری و وابستگی‌های متقابل هستند... برداشت غلط و حفظ معنای چهل سال گذشته از استقلال باعث شده است که ارتباطات فکری، سیاسی و اقتصادی کشور ما با خارج تحت الشعاع نوعی انزواطلبی درونی قرار گیرد و از تعامل و اختلاط معقول که فرآیندی مؤید فراگیری متقابل است، پرهیز کنیم.<sup>۱</sup>

جمهوری اسلامی با یک پارادوکس روبه‌روست. از یک طرف می‌خواهد رشد و پیشرفت کند و از طرف دیگر در پی حفظ استقلال سیاسی و همین‌طور عدالت در بیرون از مرزهای کشور است. در واقع ریشه این پارادوکس در نوع نگاه به خود و نظام بین‌المللی است.<sup>۲</sup>

در کشورهایی که این شانس را داشتند که در یک دوره مستعمره شوند... فواید هم به آنان رسیده است... یکی از آنها زبان و فرهنگ است... الان در کشورهای مستعمره سابق، توانایی استفاده از زبان مادری از یک زبان خارجی اول، چه انگلیسی، چه فرانسه، امکانات ارزشمند ارتباطی، علمی و حتی تفریحی فراهم آورده است... بالا رفتن سطح فرهنگ از طریق زبان و هم مستقل از آن، از محصولات مثبت استعمار است.<sup>۳</sup>

استعمار دیگر وجود ندارد پس استقلال هم دیگر ارزش روزآمدی نیست و استقلال‌طلبی تحصیل حاصل است و بنابراین بی‌ارزش... امنیت و توسعه ارزش‌های بالذات‌اند و استقلال ارزش بالعرض... استقلال خواهی اینک موجودیتی جز حافظه تاریخ ندارد. اینک رابطه است که سخن می‌گوید...<sup>۴</sup> آنان که در فرنگستان گفتار کلان‌نویسادی را به نام «گفتار تجدد» پدید آورده بودند، «گفتار بیداری» را نیز برای ما رقم زدند؛ از این رو ما باید از خواب‌گران غفلت‌برخیزیم و در دنیایی نو که ساخته‌فرنگیان بود و در مقامی که تقدیر سرمایه‌داری بر ما مقدر ساخته بود، زندگانی نوینی را تجربه کنیم... از ادنی نقطه مدنیت موجود (یعنی خودمان) به اعلی نقطه مدنیت

۱. محمود سریع‌القلم، «نبات سیاسی و توسعه سیاسی»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ۱۳۷۸، ش ۱۴۵ و ۱۴۶، ص ۱۰.

۲. محمود سریع‌القلم، *ایران و جهانی شدن؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۴، ص ۱۱۱.

۳. مهدی ابوطالبی، *ارتجاع روشنفکری بعد از انقلاب اسلامی*، قم، مؤسسه ولاء منتظر (عج)، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵.

۴. مرتضی مردیها، *دفاع از عقلانیت*، تهران، نقش و نگار، ۱۳۷۹، ص ۱۱۱-۱۱۲ و ۱۱۵.



ممکن (یعنی غرب) سیر کنیم و در آینه شهر فرهنگ به بربریت خود ایمان آوریم و به سترگی و فرهیختگی او.<sup>۱</sup>

این سخن فردریش فون هایک که: عدالت نامی است که فقرا بر حسادت خود نسبت به اغنیا گذاشته‌اند، بی بهره از حقیقت نیست. بعید نیست که نفرت از استعمار و مبارزه با امپریالیسم هم نامی تلقی شود که کشورها و ملت‌های فقیر بر حسادت خود نسبت به کشورها و ملل غنی گذاشته‌اند...<sup>۲</sup> هراس از بیگانه از خصوصیات روانی مردم بدوی و غیر متمدن است.<sup>۳</sup>

و چه دقیق و عمیق تحلیل کرد خمینی کبیر (رحمه‌الله علیه) که:

ما از شر رضاخان و محمدرضا خلاص شدیم؛ لکن از شر تربیت یافتگان غرب و شرک به این زودی‌ها نجات نخواهیم یافت. اینان بر یادارندگان سلطه ابر قدرت‌ها هستند و سرسپردگانی هستند که با هیچ منطقی خلع سلاح نمی‌شوند...<sup>۴</sup>

## جمع‌بندی

جمع‌بندی این متن را مزین می‌کنیم به بیانات حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) و حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که فرمودند:

این قدر طرف غرب سجده نکنند، کتاب بنویسند. شما خودت مطلب داری؛ چه کار داری کی چی گفته؟... چرا استشهاد به یک قول اجنبی می‌کنی تا روح جوان‌های ما را افسرده کنی و اینها را از قالب خودشان بیرون بکنی...<sup>۵</sup> دشمنان ما که به کشورمان چشم دوخته‌اند، هرگز نخواهند گذاشت ما استقلال پیدا کنیم و از وابستگی رها شویم. باید به خود تلقین کنیم که در غرب خبری جز عقب‌نگه داشتن ما از قافله تمدن و تعالی نیست.<sup>۶</sup>

ارتجاع روشنفکری این است؛ یعنی برگشتن به دوران بیماری روشنفکری، برگشتن به دوران بی‌غمی روشنفکران، برگشتن به دوران بی‌اعتنایی دستگاه

۱. محمد علی اکبری، پیشگامان اندیشه جدید در ایران، عصر روشنگری ایرانی، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۵، ص ۱۱-۱۰.

۲. مهدی ابوطالبی، همان، ص ۱۷۴.

۳. همان، ص ۱۷۹.

۴. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۴۶، ۷/۱۰/۱۳۶۰.

۵. همان، ج ۹، ص ۴۷۰، ۲/۱۳۵۸/۶.

۶. همان، ج ۱۸، ص ۳۴۰، پیام به ملت ایران در پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۲/۱۱/۲۲.

روشنفکری و جریان روشنفکری به همه سنت‌های اصیل و بومی و تاریخ و فرهنگ این ملت.<sup>۱</sup>

از سال ۱۸۰۰ میلادی انگلیسی‌ها اول‌بار در دستگاه سیاسی کشور ما وارد شدند و دخالت کردند و نفوذ کردند و یارگیری کردند و همراه آنها یا قریب به آنها، بعضی از کشورهای دیگر اروپایی هم در این مدت همین کار را کردند. سال ۱۸۰۰ میلادی اولین سفیر انگلیس وارد کشور شد که از هند آمد؛ یعنی آن وقتی بود که حکومت هند در اختیار انگلیسی‌ها بود و نایب‌السلطنه در آنجا بود. از همان بوشهر که از کشتی پیاده شد، شروع کرد به رشوه دادن و خریدن افراد و راحت توانست افراد را خریداری کند. این همه شاهزاده و امیر و اسم‌های دهن پر کن، همه در مقابل هدایای این آقا خاضع و تسلیم شدند!... این خاک نرم و خاکریز بی‌بنیاد ملی آن روز اجازه داد دشمن نفوذ کند و نفوذ کردند. ما نمی‌خواهیم دیگر این ادامه پیدا کند. انقلاب یک سد پولادینی در مقابل اینها درست کرده. ما می‌خواهیم این سد را مستحکم‌تر کنیم. به هیچ قیمتی اجازه ندهیم اینها در اقتصاد ما، در فرهنگ ما، در سیاست، در سرنوشت و مقدرات ما دخالت کنند.<sup>۲</sup> امروز ملت ما به دنبال تحقق آرمان‌های اسلامی است که در درجه اول، عدالت و معنویت و آزادی، به معنای حقیقی اسلامی و استقلال کشور از شر قدرت‌های بیگانه و متجاوز خارجی است.<sup>۳</sup>



۱. بیانات در دیدار جمع دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳۷۷/۲/۲۲.

۲. محمد رستمی، نفوذ: بررسی پروژه برنامه‌ریزی‌شده نفوذ دشمن، از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای، تهران، شهید کاظمی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰.

۳. همان، ص ۱۰۷.